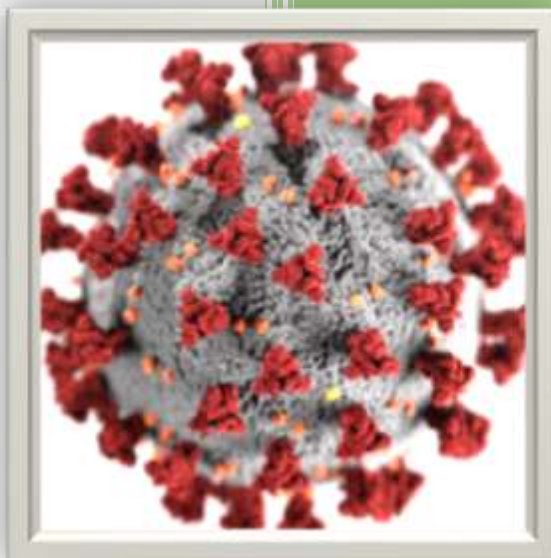


دانشگاه تربیت مدرس



دیدهبانی علمی بیماری کووید ۱۹

گزارش علمی



Scientific Report

آرایش قدرت در جهان پسا کرونا

دکتر مسعود غفاری^۱، مزگان رضائیان اصفهانی^۲

^۱دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

ghaffari@modares.ac.ir

^۲دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

فضای مجازی آمیخته از اطلاعات علمی و شبه علمی است که ممکن است باعث سردرگمی استفاده‌کنندگان شود. هدف از این سلسله مباحث علمی، ارائه اطلاعات معتبر، دارای شناسنامه و تهیه شده توسط اساتید درباره کووید ۱۹ می‌باشد.

۶ اردیبهشت ۱۳۹۹

گروه مطالعات علم و فناوری - ۱۰

در حال حاضر آمریکا با حدود یک میلیون نفر مبتلا به کرونا، با بیشترین فوت‌شدگان در جهان و بیش از بیست و پنج میلیون نفر بیکار، تبدیل به کانون اصلی کووید ۱۹ در جهان شده‌است. پیترو اوبورن در میدل ایست آبی نوشت: این بیماری همه‌گیر در آستانه نابود کردن ریاست جمهوری دونالد ترامپ است و پیامدهای مهمی نه فقط برای آمریکا بلکه برای کل جهان در پی دارد. فقط شرایط آمارهای اقتصادی وحشتناک نیست، بلکه وحشت واقعی در بازار کار است. بسیاری از مردم آمریکا به ترامپ اعتقاد داشتند چرا که او برای آن‌ها شغل درست کرده‌بود، لیکن در حال حاضر تعداد بیکاران به ارقام وحشتناکی رسیده‌است، بطوری که آینده سیاسی جمهوری خواهان سخت به مخاطره افتاده‌است.

توجه به این نکته مهم است که اعتراضات جهانی در ۱۰ سال گذشته در بسیاری از موارد ریشه در بحران مالی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ داشته و این امر باعث عدم برخورداری فرصت اقتصادی و نارضایتی از دولت‌ها شده‌است. مهمترین مسئله در ذهن معترضین در کشورهای جهان، نبود فرصت اقتصادی، افزایش نابرابری و فساد نخبگان بوده‌است. در حال حاضر نیز به دلیل افت شدید درآمدها در اثر تعطیلی کرونایی و بدهکاری سنگین بازار مسکن به موسسات مالی و اعتباری آمریکا در ماه‌های آینده شاهد شروع موج حراج خانه‌های بدهکار و سقوط قیمت مسکن، شبیه بحران ۲۰۰۸ خواهیم بود.

جسی گلمبو، تحلیلگر اقتصادی که مطالبش در مجموع پلت‌فرم‌های مجازی ماهانه نزدیک به ۱۰ میلیون بازدیدکننده دارد، به تازگی یادداشتی تحلیلی از او با عنوان "حباب مسکن ۲ آمریکا" در تارنمای گروه رسانه‌ای "فوربس" آمریکا به چاپ رسیده‌است. او در این یادداشت می‌نویسد: معتقدم با رکود اقتصاد آمریکا که به نظر می‌رسد در آستانه آن قرار داریم، حباب بازار مسکن به انفجار خواهد رسید. این شروع مجدد بحران مالی در آمریکا است.

در اروپا هم آخرین آمار درباره کرونا را خبرگزاری فرانسه در گزارشی منتشر کرد که براساس آن، تاکنون یک میلیون مورد ابتلا به کرونا به طور رسمی در اروپا تأیید شده که بیش از نیمی از مجموع موارد ابتلا در جهان است. بسیاری از رهبران قدرتمند جهان معتقدند که وضعیت جهان را می‌توان به قبل یا پس از کرونا تقسیم نمود. مکرون می‌گوید "روزی که پیروز شویم، روز پیش از کرونا نیست"، تغییرات بسیار عمیق خواهیم داشت.

به نوشته گاردین، در اوایل شیوع کرونا در ایتالیا که زودتر از دیگر کشورهای اروپایی درگیر این همه‌گیری شد، فرانسه و آلمان صادرات تجهیزات حیاتی پزشکی را ممنوع کردند و هیچ کشور عضو اتحادیه اروپا در قالب مکانیسم اضطراری این اتحادیه به ایتالیا کمک نکرد. رئیس کمیسیون اروپا همزمان با هشدار سازمان جهانی بهداشت مبنی بر اینکه اروپا همچنان در مرکز طوفان کرونا قرار دارد، گفت که برای پیروزی بر همه‌گیری کووید ۱۹، به حقیقت و صداقت سیاسی نیاز است. یک نظرسنجی در ماه گذشته نشان داد که ۸۸ درصد از مردم ایتالیا احساس می‌کردند که اتحادیه اروپا به این کشور کمک نمی‌کند و این موضوع باعث بروز نگرانی در بروکسل و دیگر پایتخت‌های اروپایی درباره احتمال واکنش‌های واگرایانه

نسبت به اتحادیه اروپا شد. روزنامه گاردین گزارش داد "اورسولا فون در لاین" رئیس کمیسیون اروپا با یادآوری اینکه وقتی ایتالیا درگیر شیوع کووید ۱۹ شد، کشورهای زیادی به درخواست کمک آن پاسخ ندادند و از این بابت "اروپا صمیمانه عذرخواهی می‌کند".

چین هم به عنوان دومین اقتصاد بزرگ دنیا در سه ماه اول سال ۲۰۲۰ در مقایسه با سه ماه اول سال گذشته اقتصادش ۶/۸ درصد کوچک‌تر شده‌است. در گزارش صندوق بین‌المللی پول، رشد اقتصادی چین ۱/۲ درصد در سال جاری اعلام شده که کمترین میزان از سال ۱۹۷۶ به این سو می‌باشد.

"کیث برادشر" در گزارش ۱۶ آوریل برای نیویورک تایمز نوشت، داده‌ها از تلاش شدید چین برای از میان بردن تبعات این ویروس که باعث تعطیلی کارخانه‌ها، بیکاری هزاران نفر و بیماری ده‌ها هزار نفر شد، حکایت می‌کند. این آمار و ارقام نشان می‌دهد که بازگرداندن اقتصاد جهان روی ریل و ایستادن این اقتصاد روی پاهای خود چقدر مهم است.

در مورد کشورهای در حال توسعه نیز گزارش‌ها حکایت از نامناسب بودن وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورهای درگیر کرونا دارد. بحران کووید ۱۹ و تاثیرات اقتصادی ناشی از آن، احتمالاً بسیاری از نارضایتی‌های اصلی را که موجب اعتراض گسترده سیاسی در یک دهه گذشته شده‌بود، را تشدید می‌کند. در نتیجه مهم‌ترین نگرانی دولتها، چگونگی مواجهه با مطالبات ناشی از خسارات کرونا و اعتراضات در پساکرونا است، که چندان دور نمی‌باشد.

در خصوص ایران، در پی ناکارآمدی اقتصادی ناشی از سوءمدیریت سیستماتیک، کاهش قیمت نفت و فشارهای ناشی از تحریم‌های آمریکا در سال‌های گذشته، آثار کرونا می‌تواند نگرانی‌های جدی در بر داشته باشد. لازم به ذکر است که بر اساس ارزیابی صندوق بین‌المللی پول، تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۹ میلادی نسبت به سال قبل‌تر (۲۰۱۸) حدود ۹,۵ درصد افت داشته‌است. اگر بخش نفتی و غیرنفتی ایران را تفکیک کنیم، جزئیات آمارها نشان می‌دهد که بخش نفتی ایران رشد منفی ۲۸,۳ درصدی و تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۹ میلادی ۴۶۳ میلیارد دلار خواهد بود که نسبت به اول انقلاب پنج برابر شده‌است. اما متوسط رشد اقتصادی جهان در این مدت بسیار بیشتر از ایران بوده است، بطوری که سهم ایران از اقتصاد جهانی در سال ۱۹۸۰ حدود دو درصد بود و در سال ۲۰۲۰ به زیر یک درصد سقوط خواهد کرد. بر اساس ارزیابی صندوق بین‌المللی پول، اقتصاد ایران طی دو سال گذشته میلادی روی هم رفته ۱۴,۳ درصد کوچک‌تر شده‌است و در سال ۲۰۱۹ میلادی نیز رشد اقتصادی ایران منفی (بسیار کم) خواهد بود. در چنین شرایطی بخش‌های بسیاری از اقتصاد ایران به رکود خواهد رفت و اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۹ کوچک‌تر خواهد شد و این یعنی در بسیاری زمینه‌ها ما شاهد افت فعالیت‌ها خواهیم بود.

صندوق توسعه ملی برای مقابله با کرونا و تعطیل شدن بخش‌های زیادی از اقتصاد کشور کمک یک میلیارد یورویی به دولت نموده‌است که در مقایسه با بودجه سال ۹۹ که ۵۰۰ هزار میلیارد تومان است، مقدار قابل توجهی نیست. لذا نمی‌تواند از عهده مشکلات اقتصادی کشور که فقط بیکاران آن به حدود چندین میلیون نفر رسیده‌اند، برآید. این در حالی است که مرکز پژوهش‌های مجلس هزینه ناشی از کرونا را فقط برای صندوق‌های بازنشستگی کشور حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان برآورد کرده‌است. اگر چه دولت بسته‌های مالی متعددی برای کمک به بنگاه‌های اقتصادی، کمک به بخش سلامت کشور و حمایت نقدی یا اعتباری از خانوارها و تجهیز صندوق بیمه بیکاری را مصوب نموده‌است، ولی دامنه خسارات بسیار است.

براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، برای اولین بار در تاریخ معاصر جهان همه کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور هم‌زمان در رکود قرار گرفته‌اند. این یک فاجعه جدی برای اقتصاد جهان است که باعث می‌شود رشد اقتصادی سال ۲۰۲۰ به پایین‌ترین سطح خود از زمان رکود بزرگ سال ۱۹۳۰ برسد و میانگین جهانی رشد اقتصادی، منفی ۳ درصد باشد.

تاریخ، دگرگونی‌های بزرگ زیادی به چشم دیده که امکان حرکت خطی به حیات بشر نداده و آن را دستخوش پیچ و تاب‌های تند کرده و گاه با در انداختن آن‌ها در مسیری کاملاً نو، عصری جدید را رقم زده‌است. اختراعات، اکتشافات، جنگ‌ها و بیماری‌های فراگیر از جمله این دگرگونی‌ها هستند که به گفته عجم اوغلو و رابینسون، بسته به برخورداری هر یک از ملت‌ها از ظرفیت‌های نهادی، توانسته شکاف توسعه‌ای میان آن‌ها را عریض‌تر نماید. طاعون خیارکی یا مرگ سیاه در قرن ۱۴ برای مثال یکی از همین حوادث دگرگون‌ساز بوده که به افول نظام فئودالیت در اروپای غربی انجامید.^۱ جنگ‌های جهانی اول و دوم بواسطه گستره جغرافیایی و حجم بالای درگیری و سلاح‌های به کار رفته، به راستی از بزرگترین تحولات تاریخی به شمار می‌روند که با در هم ریختن نقشه اقتصادی - سیاسی جهان و افول رهبری بریتانیا راه را برای ظهور قدرت‌های جدید و تازه نفس همچون آمریکا گشود. گویی مهره‌های شطرنج مجدداً در حال چینشی نو می‌باشند.

امروزه اما کرونا، بیماری ویروسی پاندمیکی که از یک سو به دلیل سرعت گسترش، احتمال بالای سرایت و درگیر ساختن شمار زیادی از افراد در مقیاس زمان (که خود دارای پیامدهای اقتصادی - اجتماعی قابل توجه است) و از سوی دیگر پدیدار شدن این پاندمی در عصر جهانی‌شدن که با برخورداری از خصایصی چون پیوستگی (Coherency) و وابستگی متقابل (Interdependency) به بالا رفتن درجه حساسیت (Sensitivity) و آسیب‌پذیری (Vulnerability) ملت‌ها منجر شده

^۱ - اوغلو و رابینسون (۱۳۹۶)، چرا ملت‌ها شکست می‌خورند، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی؛ تهران: انتشارات روزنه

و همچنین از محدود شدن حوزه اقتدار دولت حمایت می‌کند؛ حقیقتاً می‌تواند از مصادیق بزنگاه‌های تاریخی به شمار آید که دارای اثرات ژرفی در حوزه‌های اقتصادی - سیاسی - اجتماعی و زیست محیطی خواهد بود. در این میان یکی از اصلی‌ترین پرسش‌های مطروحه در اتاق‌های فکر جهانی این است که نظم سیاسی پساکرونا چگونه خواهد بود؟ آیا چینی‌ها، آمریکایی‌ها و یا یک بلوک جدید نوظهور به عنوان رهبران جهان پساکرونایی ظاهر می‌شوند؟ و آیا این جنگ کروناپی هم مانند دو جنگ اول و دوم جهانی می‌تواند قدرت هژمونیک جهان را در آستانه هزاره سوم مشخص و معرفی نماید؟ پرسشی که بخشی از پاسخ آن را در بحث پاتریک وینتور می‌یابیم. وی در مقاله‌ای تحت عنوان "صد روزی که جهان را تغییر داد" این سوال را مطرح می‌کند که آیا پاسخ کشورها به ویروس، توازن را میان چین و غرب برهم می‌زند؟²

برای بایونگ چول هان (Byung Chul Han) فیلسوفی از کره جنوبی پاسخ چنین است: پیروز، کشورهای آسیایی نظیر ژاپن، کره جنوبی، چین، هنگ کنگ، تایوان یا سنگاپور هستند که از ذهنیت اقتدارگرا برخوردارند و این خود برآمده از سنت فرهنگی کنفوسیوسی آنهاست. مردم این کشورها نسبت به مردم کشورهای اروپایی، کمتر نافرمان و بیشتر مطیع هستند. آنها به دولت خود بیشتر اعتماد دارند و از زندگی سازمان‌یافته‌تری برخوردارند. فراتر از همه اینکه، آسیایی‌ها قویاً از پیش دیجیتالی بهره می‌گیرند. در آسیا نه تنها ویروس‌شناسان و اپیدمیولوژیست‌ها که دانشمندان کامپیوتر و متخصصان داده نیز در حال جنگ با ویروس هستند. او پیش‌بینی می‌کند که چین در حال حاضر قادر است تا دولت پلیسی دیجیتال خود را به عنوان یک مدل موفق بر علیه پاندمی به فروش گذارد (با پیشتازی در هوش مصنوعی). چین، برتری سیستم خود را با افتخار بیشتری حتی به نمایش خواهد گذاشت. وی مدعی شد رای‌دهندگان غربی ممکن است بخواهند آزادی‌های خود را قربانی امنیت و جامعه سازند. البته آنچه اینجا محوریت دارد کارآمدی این دولت‌های آسیایی در مهار بحران است و نه الزاماً اقتدارگرا بودن آنها. چنانچه فوکویاما می‌گوید عنصر بسیار تعیین‌کننده در عملکرد دولت علیه کرونا، نوع رژیم آن (دموکراتیک یا اقتدارگرا) نیست، بلکه ظرفیت و کارآمدی آن است.³ پاسخ مناسب و موفقیت‌آمیز به پاندمی کرونا قطعاً نشان‌دهنده کارآمدی، انعطاف‌پذیری، توانایی تصمیم‌گیری به موقع، سریع و قاطع است که خود به افزایش اعتبار بین‌المللی کشورهای موفق انجامیده و علی‌الخصوص در شرایط ناکارآمدی دولت‌های غربی بویژه آمریکا، الگوهای بدیل از حکمرانی ارائه می‌دهد.

اما این مسأله به تنهایی کافی نیست تا آرایش قدرت را در نظام بین‌الملل به شکل اساسی تغییر دهد. نکته قابل توجه این است که شرایط پدید آمده بواسطه پاندمی کرونا، تا چه اندازه موجب شده تا چین به عنوان رقیب اصلی ایالات متحده به ایفای نقش‌های جدی‌تر و گسترده‌تر در عرصه روابط بین‌الملل روی آورد و بر نفوذ خود بیفزاید. مسأله بدهی کشورها

²Patrick Wintour, Coronavirus: Who will be Winner and Loser? Theguardian.com

³Ibid

برای مثال یکی از زمینه‌های مورد بحث است. صندوق بین‌المللی پول، بدهی کشورهای جهان را در پایان سال ۲۰۱۹ و چند ماه پیش از بحران کرونا به حدود ۲۵۵ تریلیون دلار تخمین زده‌است.

"دیپلماسی دفترچه بدهی (Debt Book Diplomacy)" عنوانی است که نویسندگان مدرسه کندی هاروارد به انتخاب چین در رابطه با بدهی‌ها نسبت داده‌اند. از نظر آن‌ها، چین یا می‌تواند بواسطه طلب‌های خود بر دارایی‌های استراتژیک سایر کشورها کنترل یابد (چنانچه از پیش، کشورهای پاکستان و سری‌لانکا بندری کلیدی یا پایگاهی نظامی را به چین واگذار کرده‌اند) و یا بدهی‌های خود را ببخشد. بدهی‌های بسیار قابل انعطاف است و چین از طریق آن در حال اعمال قدرت نرم است. وزیر خارجه چین، ژائو لی جینگ گفته‌است که برای کشورهایی که با مشکلات بدهی مواجه هستند، اجباری برای بازپرداخت وجود ندارد اما مساله را با مشاوره از طریق کانال‌های دوجانبه حل و فصل می‌نماید.^۴ جدا از مساله بدهی‌ها به عنوان ابزاری جهت اعمال نفوذ، مساله کمک‌های بشردوستانه چین به سایر کشورها در مبارزه با کرونا مطرح است. این کشور که با فروکش کردن تب کرونا به فراغت نسبی دست یافته، تاکنون محموله‌های هوایی چندی حاوی دستگاه‌های تنفس مصنوعی، ماسک و دارو به کشورهای چین، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، کامبوج، فیلیپین، ایران، عراق و سایر کشورها ارسال کرده‌است؛^۵ که البته از بازخورد یکدستی میان کشورها برخوردار نبوده‌است.

در یک موضع بدبینانه، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا ژوزپ بورل (Josep Borell) می‌گوید: "چین به نحو گستاخانه‌ای در حال القای این فکر است که بر خلاف ایالات متحده، او یک شریک مسئول و قابل اعتماد است. ما باید آگاه باشیم که این مولفه ژئوپلیتیک است که شامل تلاش برای نفوذ از طریق سیاست گشاده‌دستی است"^۶. از سوی دیگر کمک‌های چین به کشورهایی چون ایتالیا که علیرغم درخواست کمک جهت فعال‌سازی مکانیسم حمایت مدنی اتحادیه اروپا، پاسخی دریافت نکرده‌بود و آلمان نیز به بهانه نیاز شهروندان خود به تجهیزات، از ارسال کمک خودداری کرده‌بود، با استقبال مواجه گردید. این موضوع از یک سو می‌تواند نشان‌دهنده افول وحدت در اتحادیه اروپا باشد و از سوی دیگر نشانه محکم‌تر شدن روابط چین با برخی کشورهای اتحادیه که البته با مخالفت‌هایی نیز مواجه خواهد شد. چنانکه پیشنهاد شی پینگ به نخست وزیر ایتالیا جهت ایجاد جاده ابریشم سلامت به عنوان بخشی از پروژه یک کمربند یک جاده با مخالفت کشورهای نگران از نفوذ چین مواجه گردید.^۷ در پاسخ، اتحادیه اروپا یک بسته کمکی ۵۰۰ میلیارد یورویی به شاغلان، شرکت‌ها و کشورهایی را که بیشتر در برابر شیوع این ویروس آسیب دیده‌اند، تصویب نمود. این بسته کمکی بلافاصله در دسترس خواهد بود و یک صندوق محرک اقتصادی نیز در آینده آغاز به کار می‌کند. در واکنشی ماس

⁴Aljazeera.com, 6 April 2020

⁵Theguardian.com, 18 March 2020

⁶Aljazeera.com, 6 April

⁷Lily kuo,Theguardion.com, 18 March 2020

وزیر خارجه آلمان در مصاحبه با مجله اشپیگل، از روش مبارزه دو کشور چین و آمریکا با بیماری کرونا انتقاد کرد و گفت چینی‌ها روش‌های اقتدارگرایانه و آمریکایی‌ها بی‌توجهی در مبارزه با ویروس کرونا را در پیش گرفته‌اند؛ که ما با هر دو روش مخالف هستیم.

بهر حال بحران کرونا به افول ایالات متحده از جایگاه رهبری جهانی سرعت بخشیده‌است. به گفته شریف عثمان، تحلیل‌گر اقتصادی از واشنگتن در مصاحبه با شبکه الجزیره "اقتصاد از پیش شکننده آمریکا دچار آسیب‌هایی بیش از حادثه ۱۱ سپتامبر شده و از جنگ جهانی دوم به این سو بی‌سابقه بوده‌است. براساس اعلام خزانه‌داری ایالات متحده، این کشور در ۵ ماهه نخست سال، با ۶۲۵ میلیارد دلار کسری بودجه مواجه است که تا پایان سال به یک تریلیون دلار می‌رسد". مضاف بر اینکه دولت آمریکا در مواجهه با بحران کرونا بسیار ضعیف عمل کرده‌است؛ بیکاری گسترده، تبعیض نژادی^۸، کمبود پزشک، تخت بیمارستانی^۹ و تجهیزات و مدیریت ناکارآمد بحران، همه در افول آمریکا سهیم هستند. با این حال ریچارد هاس در مقاله‌ای در نشریه فارین افرز می‌نویسد "افول رهبری آمریکا، نقص در همکاری جهانی و اختلاف شدید بر سر قدرت، خصلت‌هایی هستند که تنها با کرونا شدت گرفته‌اند"^{۱۰}.

در نهایت می‌توان گفت کرونا به مانند کاتالیزوری به روندهای موجود در عرصه روابط بین‌الملل شدت بخشیده‌است. هر چند برای پیش‌بینی زود است، اما می‌توان گفت افوال اقتصاد آمریکا و وجهه بین‌المللی آن در کنار کاهش مشروعیت داخلی به افول رهبری آن در جهان سرعت خواهد بخشید. اما در سوی دیگر، چین به واسطه برخورداری از الگویی بدیل از دولت کارآمد، آسیب‌های اقتصادی کمتر نسبت به ایالات متحده بویژه بواسطه بهره‌گیری از پایین آمدن بهای نفت خام که به قیمت‌های غیرقابل باور رسیده، افزایش مشروعیت داخلی و ترسیم یک وجهه بین‌المللی مطلوب، جایگاه خود را در نظام بین‌الملل باز هم ارتقاء خواهد بخشید و ره چند ساله را چند ماهه خواهد پیمود؛ اما هنوز به نقطه مطلوب رهبری جهانی نرسیده‌است. در حال حاضر می‌توان صرفاً از مستحکم‌تر شدن پایه‌های نفوذ قدرت چین صحبت کرد و نه تسلط کامل و تثبیت نهایی رهبری آن.

امروز تمامی کشورها بر انگیزه چین برای رقابت با آمریکا جهت کسب مقام رهبری واقفند و همین مسئله علی‌الخصوص برخی از کشورهای اتحادیه اروپا را به موضع‌گیری تدافعی کشانده است. همچنین پیوستگی زنجیروار اقتصاد پساافوردی جهان موجب شده تا در مواقع بحران‌های فراگیر هیچ کشوری بی‌نصیب نماند. به عبارتی اقتصاد، هر چه جهانی‌تر ضریب

^۸- ۷۰ درصد از فوتی‌ها در شیکاگو سیاه پوست بوده‌اند، در حالی ۳۰ درصد جمعیت این شهر سیاه پوست‌اند.

^۹- در ازای هر ۱۰۰۰ نفر ۲٫۶ پزشک در آمریکا وجود دارد که این کشور را پس از ترینیداد و توباگو قرار می‌دهد. در ازای هر ۱۰۰۰ نفر ۲٫۹ تخت بیمارستانی هستند که آمریکا را پس از ترکمنستان و مغولستان قرار می‌دهد. به نقل از مونا چلبی-نشریه گاردین -۶ آوریل

^{۱۰} - سایت خبرگزاری تسنیم، ۹۹/۱/۲۰

آسیب‌دیدگی آن بیشتر و بنابراین چین علیرغم مدیریت موفق در کنترل بیماری، آسیب‌های اقتصادی زیادی متحمل شده‌است. به طوری که تحلیل‌گران، اخیراً پیش‌بینی کرده‌اند که تولید ناخالص داخلی (GDP) چین در یک چهارم سال ۲۰۲۰، تا ۹ درصد در قیاس با همین دوره در سال ۲۰۱۹ کاهش یابد^{۱۱}؛ امری که می‌تواند از توان نفوذ این کشور بکاهد و بر همین اساس شاید گشاده‌دستی آن کشور به عنوان راهی برای نفوذ بیشتر چندان پایدار نباشد.

جمع‌بندی

۱. بدنبال کاهش فعالیت‌های اقتصادی و افزایش بیکاری، جهان درگیر بزرگترین رکود اقتصادی تاریخ خود پس از جنگ جهانی دوم است.
۲. تأمین هزینه‌های مبارزه با ویروس کرونا و نحوه مدیریت و مبارزه با آن، تبدیل به چالش اخلاقی و سیاسی تعیین‌کننده برای دولت‌ها گردیده‌است.
۳. توانایی مدیریت بیماری کرونا و پیامدهای آن موجب افزایش مشروعیت سیاسی و مطرح شدن ایدئولوژی‌ها، برای دولت‌ها می‌گردد.
۴. دولت‌ها در مهار جنبش‌های مردمی با توجه به مطالبات مدنی، با دشواری‌ها و بزنگاه‌های سیاسی روبرو می‌شوند.
۵. درخواست‌ها برای نقش بیشتر و قدرتمندتر مجدد دولت در جامعه برای ارائه کمک‌های اقتصادی و اجتماعی افزایش می‌یابد.
۶. توجه به اولویت‌ها و نیازهای ملی در میان کشورها بیشتر و تفاوت‌ها پررنگ‌تر می‌شود. مهاجرت‌ها محدود و حتی ممکن است موجب بازگشت آن‌ها شود.
۷. در صحنه ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای، رقابت بلوک‌ها و دولت‌ها بر سر قدرت تشدید می‌گردد.
۸. جهان سیاست و اقتصاد شاهد شکل‌گیری قطب جدیدی از میان کشورها و بلوک‌های پیروز در برابر جنگ با کرونا بعنوان هژمون خواهد بود.
۹. در تحولات پسا کرونا در ایران، ما شاهد افزایش مطالبات مدنی مردم به معنای عام آن، از جمله صداقت سیاسی، بیان حقایق، مبارزه با افزایش نابرابری و فساد نخبگان حاکم و افزایش برابر فرصت‌های اقتصادی، خواهیم بود. نحوه تعامل دولت به معنای کلی آن، می‌تواند کشور را در عبور از خطرات یاری و یا آن را درگیر چالش‌های سخت نماید^{۱۲}.

^{۱۱}CNN.COM, 24 March 2020

^{۱۲}دولت به مفهوم کلیت یک نظام سیاسی شامل تمامی قوا